

Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies

Fall 2023, Vol. 11, No. 43, PP. 31-64

Identifying the Problems and Challenges of Risk Disclosure in Banks: with an Emphasis on the Grounded Theory Method

Mandana Taheri*

Assistant Professor, Accounting Department, Management and Accounting Faculty, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

Received: 03/07/2023

Accepted: 04/12/2023

Abstract:

Risk disclosure is one of the key reports of this industry in the capital market. In this paper, we investigated the barriers to risk disclosure in Iranian banks. This research has been done with a qualitative approach and based on grounded theory. The data of this paper were collected and coded through in-depth interviews with 15 capital market experts, banks, central banks and independent auditors of banks. The analysis of the interviews led to the identification of four serious barriers to risk disclosure in Iranian banks, which include environmental challenges, regulatory challenges, macro challenges and banking industry challenges. According to the results of this survey, regulatory weaknesses in set and punishment, the infancy of Iran's banking industry, lack of training and proficiency in risk identification and disclosure, sanctions on the Iranian banking system, lack of necessary infrastructure for measurement and disclosure, lack of strategy and activities Contrary to the objectives of establishing a bank in the economy, government and governmental structures governing the bank, disclosure costs and lack of proper accountability mechanism in the bank and other factors effect on risk disclosure and prevent the presentation of a favorable, coherent and comprehensive disclosure of the bank's risk situation. It's necessity In order to remove these barriers, the supervisors and developers of standards and regulations in the Iranian financial market, including the Central Bank, the Stock Exchange and Securities Organization and the Auditing Organization, are taking corrective measures to remove these barriers and plan to improve the level of risk disclosure.

JEL Classification: G2, G32

Keywords: Risk Disclosure Challenges, Business Environment Challenges, Banking Regulation Challenges, Banking Industry Challenges, Grounded Theory.

* Corresponding Author, Email:mandanataheri@atu.ac.ir

شناسایی موانع و چالش‌های افشاری ریسک در بانک‌ها: با تأکید بر روش نظریه زمینه بنیاد

ماندانا طاهری

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mandanataheri@atu.ac.ir

افشاری ریسک یکی از گزارش‌های کلیدی صنعت بانکداری در بازار سرمایه است. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی موانع افشاری ریسک در بانک‌های ایران پرداخته شده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و مبتنی بر روش نظریه زمینه بنیاد انجام شده است. داده‌های این پژوهش از طریق انجام مصاحبه عمیق با ۱۵ نفر از خبرگان بازار سرمایه، بانک‌ها، بانک مرکزی و حسابرسان مستقل بانک‌ها جمع آوری و کدگذاری شد. تحلیل و بررسی مصاحبه‌های انجام شده منجر به شناسایی چهار مانع جدی برای افشاری ریسک در بانک‌های ایران شد که شامل چالش‌های محیطی، چالش‌های نهاد ناظر، چالش‌های کلان و چالش‌های صنعت بانکی است. بر اساس نتایج این بررسی ضعف‌های مقرراتی و نظارتی در تدوین و تنیبی، نویابودن صنعت بانکی ایران، فقدان آموزش و تبحر در شناسایی و افشاری ریسک، تحریم‌های حاکم بر نظام بانکی ایران، فقدان زیرساخت‌های لازم برای اندازه‌گیری و افشار، فقدان استراتژی و انجام فعالیت‌هایی خلاف اهداف تأسیس بانک در اقتصاد، دولتی بودن و ساختارهای دولتی حاکم بر بانک، هزینه‌های افشا و فقدان سازوکار پاسخگویی مطلوب در بانک و عوامل دیگر بر افشاری ریسک اثرگذار هستند و مانع از ارائه گزارش مطلوب، منسجم و جامع از وضعیت ریسکی بانک می‌شوند و ضرورت دارد جهت رفع این موانع نهادهای ناظر و تدوین کننده استاندارد و مقررات در بازار مالی ایران شامل بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان حسابرسی اقدامات اصلاحی جهت رفع این موانع و برنامه‌ریزی برای ارتقا سطح افشاری ریسک را انجام دهد.

طبقه‌بندی JEL: G2, G32

واژگان کلیدی: موانع افشاری ریسک، موانع محیط کسب و کار، موانع مقررات گذاری بانکی، موانع صنعت بانکی، نظریه زمینه بنیاد

۱. مقدمه

رشد تجارت و پیچیدگی‌های محیط کسب و کار، تقاضا برای گزارش اطلاعات قابل فهم و قابل مقایسه را به ضرورتی جدا نشدنی از توسعه بازارهای مالی تبدیل کرده است. گزارشگری و افشا برای شبکه بانکی به عنوان بخش با اهمیتی از بازار پولی نیز اهمیت دارد و در ایران با توجه به اهمیت بازار پول بخصوص شبکه بانکی در تأمین مالی این اهمیت دو چندان است. در ایران بانک‌ها ملزم به افشا و گزارش اطلاعات و رویدادهای مالی و اقتصادی خود هستند و مبتنی بر بخشنامه‌های بانک مرکزی، مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار و استانداردهای حسابداری ایران به تهیه و تدوین صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه خود می‌پردازند، اما تاکنون با وجود داشتن مقررات و بخشنامه‌های مختلف برای افشاری ریسک از سال ۱۳۸۳ تاکنون (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۸)، به استثنای تغییرات رخداده در انتشار صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه آن برای بانک‌ها در سال ۱۳۹۵ و الزام به افشا محدود و کترنل شده ریسک به عنوان بخش کوچکی از صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه، این مهم به خوبی در بانک‌های ایران رخ نداده است و گزارش منفک از صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه آن برای افشاری ریسک بانک‌ها وجود ندارد.

اهمیت این موضوع از آن جنبه است که عملیات بانکی مبتنی بر ریسک انجام می‌شود و گزارش ریسک بانک‌ها بابت فعالیت‌ها و عملیات واسطه‌گری آن‌ها یکی از مهم‌ترین گزارش‌های بانک‌ها است که بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع اثرگذار خواهد بود و این در حالی است که فضای کسب و کار بانکی در ایران نه تنها از اهمیت مسئله ریسک تا قبل از اصلاحات اعمال شده در سال ۱۳۹۵ غافل بوده است، بلکه در حال حاضر نیز شکاف عمیقی بین تغییرات اعمال شده با اصلاحات بین‌المللی صورت گرفته در حوزه ریسک و شناسایی و افشا آن وجود دارد. به عبارتی، پس از بحران مالی بین‌المللی ۲۰۰۸ بسیاری از نهادهای ناظر مالی و بانکی به اهمیت ریسک و افشا آن در مؤسسات مالی و بانکی پی برد و تغییرات و اصلاحات گسترده‌ای را با هدف شناسایی، اندازه‌گیری و گزارش دقیق و قابل اتکا از ریسک در رهنمودها، مقررات و

استانداردها اعمال نمودند و علاوه بر آن این الزامات همچنان در حال به روزرسانی، تغییر و بهبود هستند. در چنین شرایطی، آنچه در قالب افشاری ریسک در ایران اتفاق می‌افتد عموماً جنبه رعایت سطحی برخی از بخش‌نامه‌ها را داشته و امکان عرضه آن در سطح ملی و بین‌المللی به عنوان یک کالای بالهمیت اطلاعاتی را ندارد.

علاوه بر این، بررسی الزامات قانونی افشاری ریسک در بانک‌ها نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته مقررات دقیقی برای افشاری ریسک و تفاوت‌های قانونی آن دارند و به تبع افشا کمی و کیفی مناسبی در این حوزه در مقایسه با کشورهای در حال توسعه وجود دارد؛ اما با وجود این گزارش انجمان حسابداران انگلستان و ولز در سال ۲۰۱۱ تحت عنوان «گزارشگری ریسک کسب و کار؛ برآورده شدن انتظارات»، نشان می‌دهد که افشاری ریسک با موانعی همراه است و ضرورت دارد برای رفع این موانع اقداماتی انجام شود. همچنین، نتایج ادبیات پژوهشی مختلف در این حوزه، وجود موانع در افشاری مطلوب ریسک را تأیید می‌کنند (لینسی و شریووا^۱، ۲۰۰۶)، مارشال و ویتمن^۲ (۲۰۰۷)، پاپا و پیتر^۳ (۲۰۱۱) و کراوات و موسلو^۴ (۲۰۱۱)، اما تحقیقات اندکی به بررسی و شناسایی این موانع، پرداخته‌اند. این مسئله، انگیزه انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه بخصوص در ایران را فراهم می‌کند؛ زیرا تحقیقات انجام شده قبلی در کشورهای توسعه‌یافته انجام شده و نتایج آن‌ها متأثر از محیط کسب و کار، مقررات و قوانین، شرایط حاکم بر بازارهای مالی این کشورها و ... است. همچنین، تاکنون با تأکید بر شناسایی موانع و چالش‌های افشاری ریسک پژوهش مستقلی در ایران انجام نشده است؛ بنابراین، با تأکید بر آنچه گفته شد، این سؤال مطرح است که موانع افشاری ریسک بانک‌ها در ایران، چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، در این پژوهش با تأکید بر رویکرد کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه بنیاد، موانع افشاری ریسک بانک‌ها در ایران بررسی شده است.

-
1. Linsley and Shrives
 2. Marshall and Weetman
 3. Papa and Peters
 4. Kravet and Muslu

بر این اساس، در بخش بعدی مبانی نظری پژوهش ارائه شده است. سپس، روش شناسی پژوهش با تأکید بر استفاده از رویکرد کیفی و روش نظریه بنیاد ارائه شده است. درنهایت، با ارائه نمودارها و جداول مختلف به تفسیر و تحلیل نتایج پژوهش پرداخته شده است و در پایان در بخش نتیجه‌گیری، خلاصه‌ای از نتایج اصلی پژوهش ارائه شده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به منظور کسب دانش اولیه در ارتباط با موضوع مقاله (موانع افشاری ریسک)، ادبیات پژوهشی مرتبط با افشاری ریسک و موانع احتمالی که در این پژوهش‌ها به طور جسته‌گریخته، به مسئله فقدان افشاری ریسک اشاره کرده‌اند، توسط محقق بررسی شده است.

یکی از دلایل عدم افشاری مطلوب ریسک، عدم قابلیت اتکا به اطلاعات افشا شده ناشی از شکاف بین تهیه‌کننده و استفاده‌کننده اطلاعات است. کامیلری^۱ (۲۰۱۸) و جکسون و همکاران^۲ (۲۰۲۰) بیان می‌کنند که نهاد ناظر با هدف کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین تهیه‌کننده و استفاده‌کننده از اطلاعات و اثر آن بر انتشار اطلاعات، بر افشا و شفافیت بیشتر در بازار تأکید دارد. بر این اساس، الزامات و مقررات اجباری با هدف افشا اطلاعات در بازار تنظیم شده است، اما شواهد (کمیسیون اروپا، ۲۰۱۹) نشان می‌دهد که مقررات برای افشا جامع ریسک، کافی نیستند. مازوتا و همکاران^۳ (۲۰۲۰) و گارو و همکاران^۴ (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که افشاری اجباری ریسک، بین استفاده‌کننده و تهیه‌کننده اطلاعات تعادل برقرار می‌کند که بر این تعادل میزان مناسب بودن اطلاعات افشا شده و توانایی در کمک استفاده‌کننده از اطلاعات مؤثر است. در صورتی که استفاده‌کننده از آگاهی و در کمک خوبی از اطلاعات افشا شده برخوردار نباشد، تهیه‌کننده اطلاعات با گذشت زمان نسبت به این مسئله اشراف یافته و دلیلی برای انتشار اطلاعات پیچیده و بیشتر ندارد

-
1. Camilleri
 2. Jackson et al.
 3. Mazzotta et al.
 4. Garrow et al.

(بخصوص آنکه انتشار اطلاعات هزینه‌بر است) و این مسئله می‌تواند تبدیل به یکی از موانع انتشار اطلاعات ریسک شود. ژیا و همکاران^۱ (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که مقررات بانکی بر برقراری تعادل بین کفایت افشاگری ریسک و تأمین نیاز استفاده کننده از اطلاعات، مؤثر است. به عبارتی، در جنین شرایطی قوانین و مقررات به کمک استفاده کننده آمده و با الزام به افشاگری ریسک، محدودیت انتشار اطلاعات ریسک از طرف تهیه کننده اطلاعات را پوشش داده است (مثل اتفاقی که در ایران در سال ۱۳۹۵ افتاد و تغییر صورت‌های مالی منجر به افشاگری محدود و کنترل شده ریسک شد که تا قبل از آن سابقه‌ای نداشته است); بنابراین، قوانین و مقررات در افشاگری جامع و مطلوب ریسک مؤثر است، اما از سوی دیگر، نقصان مقررات و ناکافی بودن آن‌ها بخصوص در بخش اجرا، نیز می‌تواند به عنوان چالشی در افشاگری مطلوب ریسک شرکت‌ها محسوب شود.

به باور ولتری و همکاران^۲ (۲۰۲۰) افشاگری ریسک یکی از ابزارهای سودمند برای سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری است و اثر آن در هزینه سرمایه شرکت‌ها نمایان است. در همین ارتباط، باؤ و همکاران^۳ (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که بین افشاگری ریسک نامطلوب در بازار و واکنش سهامداران ارتباط وجود دارد و افشاگری نامطلوب ریسک موجب افزایش هزینه‌های مالی شرکت‌ها می‌شود. همچنین، وریچیا و کلینچ^۴ (۲۰۱۵) اثر مثبت افشاگری ریسک بر کاهش هزینه‌های مالی و شونفیلد^۵ (۲۰۱۷) اثر مثبت افشاگری ریسک بر افزایش قیمت سهام شرکت‌ها را نشان داده‌اند و با توجه به آنکه افشاگری ریسک به موجب مقررات بین‌المللی در این حوزه افشاگری اجباری است؛ بنابراین مدیران بانک‌ها به افشاگری مطلوب ریسک با هدف جذب رضایتمندی سهامداران خود تمایل دارند، هرچند که در خصوص سطوح افشا اثربخش در بازار، مدیریت خود را اعمال می‌کنند (هوفنینگر^۶، ۲۰۲۱). هوفنینگر (۲۰۲۱) بیان می‌کند که بانک‌ها برای افشاگری روش‌های متنوعی

1. Jia et al.

2. Veltri et al.

3. Bao et al.

4. Clinch & Verrecchia

5. Schoenfeld

6. Hofinger

را به کار می‌برند. در حالی که افشا برخی از بانک‌ها، بسیار محدود و پوشش حداقل‌های اجباری افشای ریسک است، برخی دیگر افشا جامعی از ریسک و چشم اندازهای آتی آن ارائه می‌دهند. به عبارتی، تحت الزامات اجباری افشا، مدیران بانک در خصوص کمیت و محتوای افشای ریسک تصمیم می‌گیرند، اما در خصوص میزان مؤثر بودن اطلاعات افشا شده، استفاده کننده از اطلاعات و فرآیند تصمیم‌گیری آن‌ها، قضاوت خواهد کرد. به عبارتی، افشای ریسک می‌تواند کامل نباشد و با غلط همراه باشد و یا آنکه شرکت به اطلاعات مهم ریسک خود اشاره‌ای نکند و یا آنکه با کنترل زیاد، اقدام به افشای ریسک نماید که تمام این موارد را می‌توان به عنوان موانع جدی در افشای مطلوب ریسک شمرد، زیرا ممکن است شرکت‌ها با بت افشای ریسک تحت یکی از حالت‌های اشاره شده، تبیخ شده و اعتبار خود را در بازار بابت عدم افشای مناسب، مرتبط و کافی از دست دهنند. از سوی دیگر، اگر اثر مثبت و مطلوب افشای ریسک توسط استفاده کننده از اطلاعات دیده نشود، مدیران شرکت‌ها ترغیب می‌شوند تا حداقل الزامات انطباق با مقررات را در گزارش ریسک افشا نمایند و انگیزه‌ای برای افشا بیشتر ندارند، زیرا آن‌ها مقاعد نشده‌اند که افشای خارجی ریسک می‌تواند نحوه مدیریت مطلوب ریسک توسط آن‌ها را در بازار به درستی انعکاس دهد (اسکات^۱، ۲۰۱۰).

همچنین، افشای ریسک عملکرد گذشته نمی‌تواند رهنمود قابل انتکابی برای آینده باشد؛ به عبارتی، اطلاعات ریسک گذشته‌نگر هستند و در این ارتباط شوپیزی و همکاران^۲ (۲۰۲۰) یان می‌کند که اطلاعات افشا شده ریسک در شرکت‌های ایتالیایی ۹۶ درصد مربوط به گذشته و حال و تنها چهار درصد از اطلاعات به شرایط آتی پرداخته است، زیرا افشا اطلاعات آینده می‌تواند برای شرکت هزینه‌هایی را ایجاد کند که این هزینه‌ها بر تصمیمات مرتبط با انتشار اطلاعات اثر دارد. به عبارتی، افشای ریسک می‌تواند هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم اضافه‌ای را به شرکت افشا کننده اضافه نماید که این هزینه در توازن با منافع حاصل، ممکن است بیشتر باشد و چالشی در افشای

1. Mike Scott

2. Leopizzi et al.

مطلوب ریسک باشد. مهم‌ترین هزینه افشا، هزینه افزایش رقابت یا افشاگری اطلاعات حساس در شرایط رقابتی حاضر است که توان اثرگذاری بر سودآوری شرکت را دارد (ورچا^۱، ۲۰۰۱). تکنیک‌های مدیریت ریسک و درک و آگاهی نسبت به ریسک مزیت رقابتی شرکت‌ها است. برای مثال دو شرکت با دیدگاه و درک متفاوت از ریسک را در پروژه‌های مشخص تصویر کنید؛ یک شرکت برای یک پروژه مشخص، ریسک را بالا و شرکت دیگر ریسک را پایین ارزیابی می‌کند. شرکتی که ارزیابی دقیق‌تر و بهتری از ریسک دارد، بالقوه مزیت اطلاعاتی در مقایسه با شرکت دیگر دارد که همین مسئله در رقابت و کاهش خسارت‌های ناشی از ارزیابی اشتباه ریسک برای آن شرکت اثر دارد. علاوه بر آن، اگر شرکتی ارزیابی خود از ریسک پروژه را پایین برآورد کرده باشد و آن را افشا نماید، ممکن است سایر رقبا را ترغیب نماید که در پروژه وارد شوند و درنتیجه، حالت انحصاری پروژه از دست رود و هزینه‌های رقابت بر شرکت تحمیل شود؛ بنابراین، برای کاهش هزینه‌ها، شرکت‌ها اقدام به افشاگری ریسک به شکل مبهم، گنگ و غیراطلاع‌دهنده می‌نمایند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که برای کاهش افشاگری مبهم و غیراطلاع‌دهنده، افشاگری داوطلبانه باشد، اما تحت سیاست افشاگری داوطلبانه همه شرکت‌ها به دلیل هزینه‌های افشا تمایل و اجباری برای افشا ندارند (آبراهام و شریوا^۲، ۲۰۱۴).

نکته دیگر در افشاگری ریسک آن است که افشا حول محور دسترسی به اطلاعات یا داده‌های با کیفیت قرار دارد، اما معمولاً اطلاعات ریسک شرکت‌ها بخصوص در کشورهای در حال توسعه به طور دستی و معمولاً برای مصرف و گزارشگری داخلی تولید می‌شوند و قابلیت انتشار عمومی را ندارند و حسابرسی نیز نمی‌شوند؛ بنابراین، این اطلاعات کیفیت لازم و قابلیت انتکا برای انتشار عمومی را ندارند (کادیو و مارس^۳، ۲۰۱۲). به عبارتی، دقت اندازه‌گیری و مدیریت اطلاعات، به عنوان مانع دیگر در بحث افشاگری ریسک، مورد بحث است. در گزارشی که فدرال رزرو در سال

-
1. Verrecchia
 2. Abraham & Shrives
 3. Cadiou and Mars

۲۰۱۳ منتشر نموده بیان شده که فقدان اطلاعات کافی ظرفیت‌های عملیاتی، یکی از دلایل عدم افشا یا تولید اطلاعات قابل اتکا در زمان مناسب یا به موقع است و با رشد الزامات مقرراتی، پیجیدگی‌های افشا نیز افزایش یافته است و ضرورت‌های را برای بازبینی فرایندها، سیستم‌ها، راهبری و نحوه جمع آوری داده‌های لازم جهت گزارشگری به موقع و قابل اتکا ایجاد نموده است. درنهایت، معمولاً سرمایه‌گذاران علاقه‌مند هستند عوامل کلیدی ریسک که اثر مستقیمی بر انتظار آن‌ها از بازدهی دارد و معمولاً توسط شرکت‌ها افشا نمی‌شود را بدانند (Miihkinen^۱ (۲۰۱۳) و Mokhtar and Mellett^۲ (۲۰۱۳)). در بسیاری از زمان‌ها ریسک اصلی درنتیجه ضعف تصمیمات مدیریتی است که تجمعی آن می‌تواند باعث ایجاد بحران در بانک شود و معمولاً این نوع ریسک، توسط بانک افشا نمی‌شود. به عبارتی، یکی از چالش‌های بالهیت در ارتباط با افشاری ریسک انتظارات بالا از گزارش ریسک است. این انتظار قانونی است، اما درنهایت ممکن است منجر به نامیدی سرمایه‌گذاران از گزارش افشاری ریسک شود که خود این مسئله می‌تواند مانع دیگری (مدیران، برای کنترل اثرات نامطلوب افشاری ریسک بر انتظارات سهامداران، افشا خودداری می‌نمایند)، برای افشاری ریسک مطلوب و جامع محسوب گردد (Mishl Lohiz^۳, ۲۰۱۱).

درنهایت در این ارتباط، در پژوهش‌های داخلی با بررسی کلیدوازه افشاری ریسک عموماً با تحقیقات کمی و یا مدل‌سازی برای ارائه چارچوب افشاری ریسک در شرکت‌های غیرمالی مواجه هستیم. نمونه این تحقیقات، نمازی و ابراهیمی می‌مند (۱۴۰۰) با عنوان «افشا و گزارشگری ریسک شرکت‌ها: ارائه چارچوب جامع»، رحمانی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «بررسی پیامدهای مالی افشاری ریسک در بازار سرمایه ایران: مطالعه موردی بانک‌های عضو بورس اوراق بهادر تهران»، خوش خلق و طالب‌نیا (۱۳۹۹) با عنوان «تبیین اثر مفاهیم گزارشگری مالی بر سطح افشاری ریسک در گزارشگری مالی سالانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران»، رحمانی و

1. Miihkinen

2. Mokhtar and Mellett

3. Michael Lewis

همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «مقررات و استانداردهای داخلی و بین‌المللی افشاگری ریسک در بانک‌ها»، طاهری و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «ارتباط ارزشی افشا و گزارشگری ریسک در بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران»، نمازی و ابراهیمی میمند (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی چگونگی افشاگری ریسک در گزارش سالانه شرکت‌ها و عوامل مؤثر بر آن» و البته تحقیقات بسیاری که اثر افشاگری ریسک در بازار سرمایه ایران را با کارایی سرمایه‌گذاری، قیمت و بازدهی، نوسان جریانات نقدی، عدم تقارن اطلاعاتی، ریسک سیستماتیک و ... بررسی نموده‌اند و از مسئله پژوهش ما دور هستند. ریسک و افشا آن برای بانک‌ها که مبتنی بر ریسک فعالیت می‌کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و البته برای افشاگری ریسک الزامات اجباری از سوی بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر بر بانک‌ها در ایران حاکم است که در تحقیقات داخلی کمتر مورد توجه واقع شده است.

اهمیت این پژوهش و وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده در ایران از دو منظر است. اولاً بین افشاگری ریسک در شرکت‌های مالی و غیرمالی تفاوت وجود دارد و افشاگری ریسک شرکت‌های مالی همچون بانک‌ها، افشاگری اختیاری نیست، بلکه به واسطه قوانین و مقررات نهاد ناظر (بانک مرکزی) افشاگری اجباری است که بررسی چالش‌ها و موافع فقدان افشاگری مطلوب توسط بانک‌ها در بازار مالی ایران، قابل توجه است؛ بخصوص آنکه بررسی افشاگری ریسک در شبکه بانکی ایران نشان می‌دهد، این افشا با کاستی‌های جدی رو به رو است. در همین راستا رحمانی و همکاران (۱۳۹۸) بیان می‌کنند که در سال ۱۳۹۵ از ۳۶ قلم افشاگری اجباری در شبکه بانکی ایران، تنها سه بانک خاورمیانه، کارآفرین و اقتصاد نوین به ترتیب با افشا ۲۰، ۲۷ و ۲۸ قلم افشاگری مطلوبی داشته‌اند. دوماً، تحقیقات مرتبط با افشاگری ریسک در شبکه بانکی ایران، عموماً کمی بوده و با شاخص‌سازی سعی در تحلیل میزان افشا بر شاخص‌های بازار سرمایه را داشته و تاکنون پژوهشی که به پشت‌صحنه مسئله پردازد و موافع در افشاگری مطلوب ریسک را بررسی کند، پرداخته نشده است. به عبارتی، در پژوهش‌های کمی به واسطه مقررات اجباری در افشاگری ریسک بانک‌ها، تعداد اقلام افشا شمرده و شاخص‌سازی شده و اثر آن بر شاخص‌های بازار سرمایه بررسی شده است، اما

تاکنون به این سؤال پاسخ داده نشده است که چرا تمام ۳۶ قلم افشا اجباری در بانک‌ها افشا نشده است (بهترین بانک از منظر افشا ۳۰ قلم از ۳۶ قلم را افشا کرده است)؟ مگر نه اینکه، این افشا مبتنی بر مقررات الزامی و اجباری است و انتظار می‌رود تمام ۳۶ قلم الزامی افشا شود، پس چه معانی برای فقدان افشا این اقلام وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤالات، در این پژوهش نگاه و تحلیل خبرگان ناظر بر افشای ریسک در شبکه بانکی ایران (بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهدار و سازمان حسابرسی) و تهیه کنندگان اطلاعات افشاء ریسک (مدیران ریسک بانک‌ها)، از موانع موجود در افشای مطلوب ریسک در شبکه بانکی ایران، بررسی شده است؛ بلکه بتوان در رفع این موانع اقدامات لازم را به عمل آورد و بتوان از نتایج این پژوهش در راستای مقررات گذاری مطلوب‌تر که نتیجه آن شفافیت بیشتر در بازار باشد، استفاده نمود.

بنابراین با توجه به آنچه در این بخش ارائه و بررسی شد، سؤال این پژوهش این است که موانع افشاء ریسک بانک‌ها در ایران چیست؟ و یا چه عواملی بر عدم افشاء مطلوب ریسک در بانک‌ها اثرگذار است؟

۳. روش‌شناسی پژوهش

سؤال این مقاله به این شرح است: موانع افشاء ریسک در بانک‌های ایران چیست؟ و چه عواملی بر فقدان افشاء مطلوب ریسک در بانک‌ها اثرگذار است؟

برای تبیین دقیق پاسخ سؤال ما عوامل و موانع جدی افشاء ریسک را در ادبیات پژوهشی مرتبط جمع‌آوری نمودیم و سپس با تأکید بر رویکرد کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد و مصاحبه عمیق با خبرگان به شناسایی و تدوین موانع افشاء ریسک در صنعت بانکداری پرداخته شده است.

در دهه‌های اخیر رویکرد کیفی برای انجام تحقیقات با هدف نظریه‌پردازی مطرح شده است. در این رویکرد، پژوهش روشی برای ایجاد، مدل‌سازی، اصلاح و تقویت نظریه است. یکی از روش‌های شناخته شده با رویکرد کیفی در انجام تحقیقات، نظریه زمینه بنیاد است. نظریه زمینه‌ای، روش پژوهشی عام، استقرایی و تفسیری است. این نظریه برخاسته از داده‌ها و روش پژوهشی

استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگر در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا بر نظریه‌های موجود و از پیش تدوین شده، خود به تدوین نظریه‌ها و گزاره‌ها اقدام نماید که به شکلی نظاممند و بر اساس داده‌های توصیفی واقعی تدوین می‌شوند. هدف تحلیل نظریه زمینه بنیان گسترش نظریه استقرایی است که از داده‌ها منتج شده است، یا به عبارتی ساخت نظریه‌ای که پیوند مستحکمی با داده‌ها دارد. در این روش داده‌ها بستر و زمینه ساخت نظریه جدید می‌باشند و بر این اساس مشاهده منظم داده‌ها و تبیین نظریه مبتنی بر داده‌هایی که به روش استقرایی تحلیل و تفسیر شده‌اند، انجام می‌شود. این نظریه یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که به ایجاد نظریه از داده‌ها اشاره دارد و با موقعیت پژوهشی ویژه آغاز و پژوهشگر با نقش فعال خود در شکل‌گیری و نتیجه‌گیری پژوهش مداخله می‌کند. هسته اصلی این فرآیند مقایسه هم‌زمانی است که در آن صورت می‌پذیرد. به عبارتی در هنگام پژوهش و با توجه به ابزارهایی نظیر مصاحبه و مشاهده و مانند آن داده‌ها به طور مستمر در ذهن پژوهشگر و یا از طریق کدگذاری، تحلیل و بازتحلیل می‌شوند تا آنجا که داده‌ها با نظریه مورد نظر همگوئی پیدا نمایند (دیک ۲۰۰۵). در پیاده‌سازی و اجرای نظریه زمینه بنیان پنج گام برداشته خواهد شد که عبارتند از:

- تدوین پرسش‌های پژوهش؛
- گردآوری داده‌ها و اطلاعات تا جایی که به اشباع اطلاعاتی برسیم؛
- کدگذاری داده‌ها تحت ۳ مرحل؛
- کدگذاری آزاد یا باز؛
- کدگذاری محوری؛
- کدگذاری انتخابی یا گزینشی؛
- یادداشت‌برداری؛
- نگارش و تدوین نظریه، چارچوب یا الگو پیشنهادی.

نظریه زمینه بنیاد دارای سه عنصر اصلی شامل مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها است. مفاهیم واحدهای اصلی تحلیل هستند؛ زیرا توسعه نظریه، محصول گردآوری شده نیست، بلکه دست یافتن

به نظریه، تیجه مفهوم‌سازی از داده‌ها است. مقوله‌ها عنصر دوم تشکیل‌دهنده نظریه زمینه بنیاد هستند که به باور کوربین و اشتراوس مقولات در مقایسه با مفاهیمی که بیانگر آن‌ها هستند، سطح بالاتر و انتزاعی‌تری دارند. شناخت مقوله‌ها نیز از طریق فرآیند تحلیلی مقایسه برای نشان دادن همانندی و تفاوت‌ها صورت می‌گیرد. گزاره‌ها سومین عنصر هستند که نشان‌دهنده روابط تعییم‌یافته میان یک مقوله و مفاهیم آن و همچنین روابط میان مقولات ناپیوسته هستند. گلیزر و اشتراوس گزاره‌ها را نوعی فرضیه دانسته‌اند که دربر گیرنده روابط مفهومی هستند (ذکایی، ۱۳۸۱). در این نظریه کدگذاری نقش مهمی در عملیات و انجام این شیوه پژوهش دارد. کدگذاری فرآیندی برای اندازه‌گیری، تکرار و یا طبقه‌بندی داده‌ها در بخش‌های مختلف است (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰) که در این روش سه نوع کدگذاری شامل کدگذاری آزاد یا باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی یا گزینشی مطرح است.

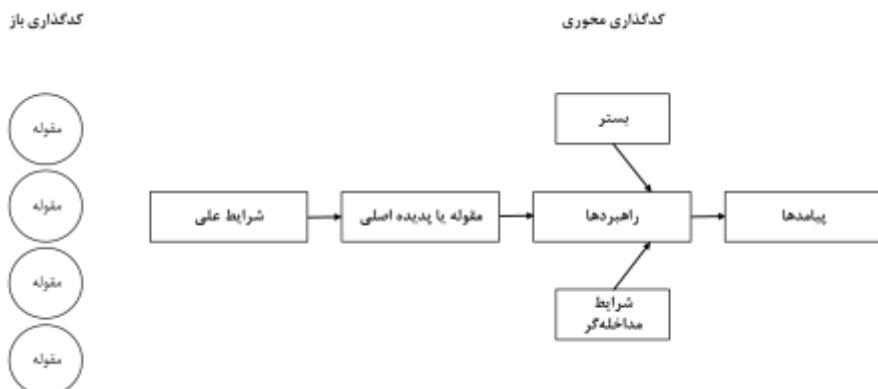
۱-۳. کدگذاری آزاد یا باز

این نوع کدگذاری بعد از خواندن مکرر و دقیق داده‌های جمع‌آوری شده انجام می‌شود و واحدهای معنی‌دار معرفی، توضیح و نام‌گذاری می‌شود. به عبارتی در این روش واحدهای معنی‌دار حاصل جمع‌آوری داده‌ها طبقه‌بندی می‌گردند و تحت عنوان مقوله شناسایی می‌شوند. در این روش به فراخور جمع‌آوری داده‌ها واحدهای معنی‌دار جدید در هر نسخه نوشتاری و متنی کدگذاری می‌شود. این کدگذاری منجر به ایجاد مقوله و زیرمقوله‌های زیادی می‌گردد که از واحدهای همگن و معنی‌دار انباست می‌شوند. این مرحله تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که به انباست اطلاعاتی در هر مقوله و زیرمقوله برسیم. به گونه‌ای که جمع‌آوری داده جدید، تحلیل و کدگذاری آن فرآیندی تکراری گردد و امکان اضافه نمودن واحد معنی‌دار یا مقوله جدیدی نباشد. در زمان اشباع، جمع‌آوری داده و کدگذاری متوقف می‌شود و پس از آن امکان مقایسه مقوله قبلی با جدید و در کشbahات و تفاوت‌ها فراهم می‌گردد. در این فرآیند کدگذاری نیاز به بازنگری مقوله‌ها برای نام‌گذاری دوباره، ادغام و تفکیک داده‌ها از یکدیگر دارد که به آن مقایسه مداوم گفته می‌شود. این بازنگری عملیات نرم‌شیبین داده‌ها و مفهوم‌سازی نام‌گذاری شده است.

به عبارتی مراحل کدگذاری باز شامل طرح پرسش‌های فراوان، خرد کردن و مفهوم‌پردازی، جمع کردن و مقوله‌پردازی و درنهایت توسعه مقولات و مقایسه مدام آن‌ها است تا بتوان ارتباط بین مفاهیم، مقولات و شاخص‌ها را شناسایی نمود.

۲-۳. کدگذاری محوری

کدگذاری عملیات ثانویه در تحلیل نظریه‌پردازی زمینه بنیاد است که در آن مقولات اصلی حاصل کدگذاری بازداده‌ها تکوین یافته و با یکدیگر مرتبط می‌شوند. اگر در کدگذاری بازداده‌ها را تفکیک نماییم یا به منظور نشان دادن داده‌ها و مقوله‌های نظری داده‌ها را باز کنیم، کدگذاری محوری مجددًا مقوله‌های قبلی را با روش مفهومی متفاوتی در کنار هم قرار می‌دهد. از ویژگی‌ها کدگذاری محوری تنظیم مدل مبتنی بر مدل پارادایمی و تبیین سلسله روابط بین زیرمقوله‌ها و مقولات اصلی است که نمودار ۱ اجرای روش نظریه بنیاد و ارتباط کدگذاری باز و محوری و پیاده‌سازی مدل پارادایمی در آن را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. نظریه بنیاد و ارتباط کدگذاری باز و محوری در آن (منبع: کریسول (۲۰۰۵))

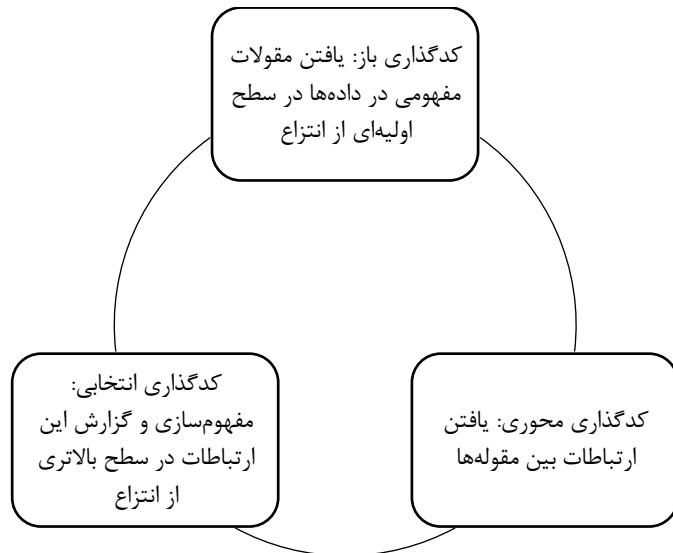
بنابراین در کدگذاری محوری بین مقوله‌های اساسی به دست آمده از کدگذاری باز، ارتباطات درونی برقرار می‌شود. در این مدل مقوله اصلی یا محوری پدیده اصلی مورد مطالعه است. در این پژوهش مقوله اصلی چالش‌های افشاگری ریسک بانک‌های تجاری است. شرایط علی مقوله یا

شرایطی هستند که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار داده و به وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر می‌انجامند. بستر یا زمینه مجموع مشخصه‌های ویژه‌ای هستند که به پدیده مورد نظر دلالت می‌کنند. به عبارتی محل رخداد پدیده را مورد تأکید قرار می‌دهد. بستر از مجموعه شرایط خاصی تشکیل شده که در آن کنش و واکنش رخ می‌دهد. شرایط مداخله گر شرایط ساختاری که به پدیده تعلق داشته و برکش و واکنش آن اثر می‌گذارد، به گونه‌ای که کنش و واکنش را سهولت بخشیده یا محدود می‌نماید. راهبردها مبتنی بر کنش و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده اصلی هستند. راهبردها هدف داشته و با دلیل مشخصی صورت می‌گیرند. البته شرایط مداخله گری نیز وجود دارد که رخداد راهبرد را آسان یا محدود نماید. پیامدها نتایجی که در اثر راهبردها پدیدار می‌شود را پیامد می‌گویند. پیامدها نتیجه کنش و واکنش هستند (بازرگان، .)۱۳۸۷.

۳-۳. کدگذاری انتخابی یا گزینشی

کدگذاری انتخابی با هدف یکپارچه‌سازی و در کنار هم قرار دادن مفروضات و گزاره‌های به دست آمده و تحلیل تکوینی است. به عبارتی این نوع کدگذاری عبارت است از روند انتخاب مقوله هسته به طور منظم و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها و اعتباریخشیدن به روابط و تکمیل فضای خالی با مقوله‌هایی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند. در این مرحله، پس از بررسی کیفیت داده‌ها از جنبه‌های گوناگون و تعیین ارتباط میان مقوله‌ها در سطوح گوناگون و مسیریابی شرطی، مرحله کدگذاری محوری به پایان می‌رسد تا در گام نهایی تحلیل، کدگذاری گزینشی و خلق نظریه و مدل نهایی انجام می‌شود. کدگذاری انتخابی شامل انتخاب مقوله هسته‌ای به طور نظاممند و در ارتباط با دیگر مقوله‌ها و بررسی مقولاتی است که نیازمند به تعریف و توسعه مجدد هستند. در این مرحله شکل گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود و یک مفهوم به پدیده

اصلی داستان نسبت داده شده و به سایر مقولات مرتبط می‌شود (کریسول^۱، ۲۰۰۵). پیاده‌سازی روش نظریه بنیاد تحت نمودار ۲ ارائه شده است.



روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش مبتنی بر مصاحبه و استناد است. برای جمع‌آوری داده‌ها و ایجاد بستر یا زمینه تحقیق از روش استناد و برای تأیید و تجزیه و تحلیل و جمع‌آوری داده‌های بیشتر برای تحلیل از روش مصاحبه استفاده شده است. به عبارتی مصاحبه عمیق، تکیه‌گاه اصلی نظریه زمینه بنیاد است و مصاحبه‌ای که در آن آزمودنی برای هدایت جریان گفت‌وگو آزادی بیشتری دارد (مصاحبه ساختارنیافه)، مورد توجه این پژوهش بوده است.

۴. جامعه و نمونه آماری

در نظریه زمینه بیان نمونه هدفمند انتخاب می‌شود. نمونه هدفمند بر اساس معیارهای مشخص انتخاب می‌شود که بتواند مسئله تحقیق را پوشش دهد (اسپرینگر، ۲۰۱۰). در طی فرآیند تحلیل و

1. Creswell

آزمودن نظریه، فرآیندی تحت عنوان نمونه‌گیری نظری استفاده خواهد شد. در این نمونه‌گیری موارد منفی ساختارهای در حال تکوین برای به چالش کشیدن و تبیین نظریه جدید استفاده می‌شود. در این روش جمع‌آوری داده‌ها با هدف خلق نظریه است و در هر گام معیارهای جدیدی برای جمع‌آوری داده‌ها تعیین و مبتنی بر آن داده‌ها جمع‌آوری می‌شود. به عبارتی تحلیل داده‌های قبل در تعیین و روش جمع‌آوری داده‌های جدید اثرگذار است و این اتفاق تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که به اشباع اطلاعاتی برسیم؛ بنابراین روش نمونه‌گیری روش نظری است که از یک الگوی در حال تکوین پیروی می‌کند. نمونه‌گیری نظری از ویژگی‌های اساسی بکرگیری نظریه زمینه‌بنیان است (پایین، ۲۰۰۷). این روش مشابه نمودار (۳) است.



در رویکرد سنتی پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها به عنوان یک مرحله مجزا در پژوهش است که قبل از تحلیل داده‌ها تکمیل می‌شود، اما در نظریه زمینه‌بنیان الگوی جمع‌آوری داده‌ها متفاوت است. در این الگو برخی از سوالات اساسی پژوهش نحوه جمع‌آوری داده‌ها را هدایت می‌کند و این رخداد تا آنجا تکرار می‌شود که به مرحله اباحت اطلاعاتی برسیم. در این روش محقق مجموعه‌ای از داده‌ها را که ترجیحاً کوچک است جمع‌آوری می‌نماید. پس از تکمیل هر مرحله، تحلیل اولیه آغاز می‌شود که نتیجه آن تعیین معیارها و راهنمایی برای مرحله بعد است. به عبارتی داده‌های مرحله اول جمع‌آوری و تحلیل و الگویی در اختیار جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل در مرحله دوم می‌دهد. هر مرحله به وسیله جهت‌یابی در حال تکوین از تحلیل اولیه هدایت می‌شود. این روش تحت نظریه نمونه‌گیری انجام می‌شود. در این اصل عقیده جمع‌آوری داده‌های اساسی توسط توسعه و تکوین نظری که در تحلیل شناخته می‌شود، هدایت می‌شود و تا زمانی که نظریه پدیدار می‌گردد، محقق به داده‌ها باز می‌گردد و شرکت کننده جدیدی را برای آزمون آن نظریه انتخاب می‌کند تا اشباع نظری ایجاد گردد (پانچ ۲۰۰۹)، گوین (۲۰۰۸) و پایین (۲۰۰۷). بر این

اساس، جامعه آماری این پژوهش مشکل از فعالان و خبرگان بازار سرمایه، بانکی، بانک مرکزی و حسابرسان مستقل بانک‌ها، است. برای انتخاب نمونه آماری (الف) در مرحله اول چند صاحب‌نظر به تشخیص پژوهشگر و بر اساس تخصصشان در زمینه موضوع پژوهش، مورد مصاحبه اکتشافی واقع شدند. (ب) برای مصاحبه‌های اصلی، نمونه شامل افرادی از جامعه آماری است که بر اساس روش گلوه‌برفی توسط مصاحبه‌شوندگان قبلی به پژوهشگر معرفی شده بودند، زیرا در روش نمونه‌گیری گلوه‌برفی مصاحبه‌کننده به پیشنهاد مصاحبه‌شوندگان، برای مصاحبه به سراغ افراد دیگر می‌رود. قاعده کلی در پژوهش‌های کیفی این است که به گردآوری داده‌ها تا زمانی که مقوله‌ها اشباع شوند، ادامه داد. اشباع نظری یعنی تازمانی که داده جدیدی به دست نیاید و مناسبات میان مقوله‌ها به خوبی مشخص شده باشد (افشار، ۱۳۹۲). در این پژوهش و بر اساس اشباع نظری مجموعاً برابر با ۱۵ مصاحبه عمیق (۴ نفر خبره بازار سرمایه، ۶ نفر خبره بانکی و بانک مرکزی، ۴ نفر خبره حسابرسی بانکی)، انجام شد. جدول ۱ خلاصه‌ای از وضعیت مصاحبه‌شوندگان را ارائه می‌دهد.

جدول ۱: جزئیات مصاحبه‌شوندگان به تفکیک خبرگان

ردیف	خبرگان	تحصیلات	ساقمه کار
۱	خبره بازار سرمایه	دکتری	۲۵ سال
۲	خبره بازار سرمایه	دکتری	۲۰
۳	خبره بازار سرمایه	دکتری	۱۰
۴	خبره بازار سرمایه	دکتری	۵
۵	خبره بانک و بانک مرکزی	کارشناسی ارشد	۱۳
۶	خبره بانک و بانک مرکزی	دکتری	۱۰
۷	خبره بانک و بانک مرکزی	دکتری	۱۳
۸	خبره بانک و بانک مرکزی	کارشناسی	۳۰
۹	خبره بانک و بانک مرکزی	کارشناسی ارشد	۳۲
۱۰	خبره بانک و بانک مرکزی	دکتری	۳۰
۱۱	خبره بانک و بانک مرکزی	دکتری	۸
۱۲	خبره حسابرسی بانکی	کارشناسی ارشد	۲۰

ادامه جدول ۱: جزئیات مصاحبه‌شوندگان به تفکیک خبرگان

ردیف	خبرگان	تحصیلات	سابقه کار
۱۳	خبره حسابرسی بانکی	کارشناسی	۵۰
۱۴	خبره حسابرسی بانکی	کارشناسی ارشد	۱۸
۱۵	خبره حسابرسی بانکی	کارشناسی ارشد	۲۰

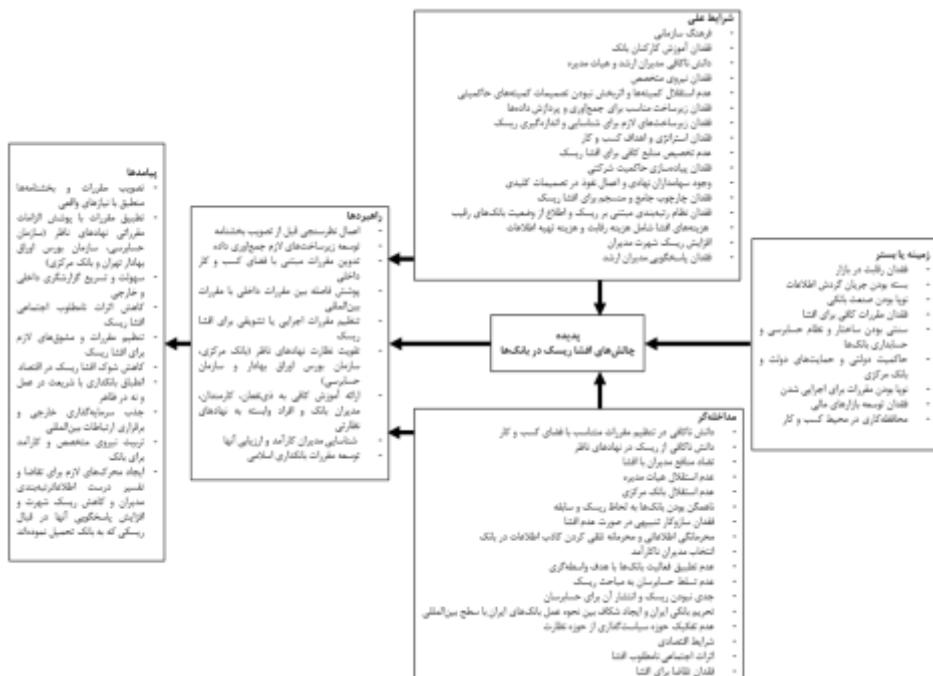
۵ یافته‌های پژوهش

با انجام مصاحبه‌ها به شرح گفته شده در بخش نمونه آماری، متن مصاحبه‌ها پیاده و به روش دستی اقدام به انجام کدگذاری باز یا آزاد گردید که تحت آن مقوله‌های مرتبط شناسایی گردید. در زیر بخشی از یک مصاحبه انجام شده در این پژوهش، به شکل نمونه ارائه شده که نحوه کدگذاری باز (عبارت‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است) در آن نشان داده شده است.

افراد خبره‌ای که در این حوزه هستند، در اقلیت هستند...، بانک‌های خیلی کوچک در سایر کشورها این مباحث را بلند و انجام می‌دهند و در ایران بیشتر در حد ترجمه و ظاهرسازی دنبال شده است. در کشورهای دیگر حتی بانک‌های کوچک که دارای راهبری شرطی مطلوب هستند، تک تک الزامات افزای ریسک را انجام و گزارش‌ها مفصلی برای افشا دارند و این در حالی است که در ایران مقررات مطلوب و کافی برای این حوزه نداریم ... در فضای کسب و کار ایران اطلاعات محروم تلقی شده و امکان شفاف سازی وجود ندارد و به همین علت با تردید و شک نسبت به قوانین و مقررات بین‌المللی برای افشا نگریسته می‌شود. نظام انگیزشی در بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به افشا پاداش نمی‌دهند و به مخفی کاری و تحریف در گزارشگری مالی در عمل پاداش می‌دهند و حتی ممکن است که حسابرسان تلاش کنند که افشا درست صورت گیرد، اما با فقدان نظام انگیزشی مانع جدی برای افشا وجود دارد.

با انجام کدگذاری آزاد یا باز به روش دستی، طبق روش گفته شده در بخش روش شناسی پژوهش، کدگذاری محوری پژوهش که مبتنی بر تفسیر و تحلیل نتایج استخراجی از مصاحبه‌ها به دست آمده است، به شرح نمودار ۴، انجام شد. این نمودار، خلاصه‌ای از نتایج استخراج شده از

مصالحه‌های انجام شده است که در تحلیل و طراحی مدل عوامل مؤثر بر عدم افشاگری ریسک در بانک‌ها که در مقاله ارائه شده است (نمودار ۵)، استفاده شده است.



نمودار ۳: الگوی مفهومی تبیین موانع افشاگری ریسک در بانک

مبتنی بر آنچه پژوهشگر با انجام مصالحه به آن رسیده است، در تفسیر هر یک از این موارد مبتنی بر نظرات ارائه شده توسط مصالحه‌شوندگان، خلاصه‌ای از این نظرات در ادامه ارائه شده است.

بستر یا زمینه: بستر مجموع ویژگی‌های محیطی است که بر موضوع مورد بررسی اثر دارد. در بررسی بسترهای مؤثر که مانع از افشا و گزارش ریسک هستند عواملی همچون فقدان رقابت در بازار، بسته بودن جریان گردش اطلاعات، نوپا بودن صنعت بانکی، فقدان مقررات کافی و کارآمد، سنتی بودن ساختار و نظام حسابرسی و حفظ صادری، همچنانکه در بازار، بسته بودن جریان گردش اطلاعات، تپه بودن صفت شناخت، قدردان مفادات کارکنان ایوان، سنتی یونان پاسخگویی و قلم حصاری، همراهی پذیرکاری، ایجاد مهربانی و حمایت‌های موقت و پذیرکاری، تپه بودن مفادات رای ایجادی شدن، قدردان توبیه بازار ایلانی، محافظه‌کاری بر حیضه کسب و کار

حمایت‌های دولتی، نویا بودن مقررات برای اجرایی شدن، فقدان توسعه بازارهای مالی و محافظه کاری در محیط کسب و کار دیده می‌شود.

صنعت بانکی ایران، نویا و جوان است و به تبع قوانین و مقررات حاکم بر این صنعت با هدف نظارت و کنترل مؤثر و الزام نمودن به افشا و شفافیت بیشتر یا نوپا و جدید هستند و قدرت اجرایی بالای ندارند و یا آنکه مقررات برای الزام به شفافیت بیشتر، کافی و کارآمد نیستند. به عبارتی، مقررات و استانداردهای بانکی در ایران جدید هستند. مقررات و بخشنامه‌های افشا ریسک بانک مرکزی از سال ۱۳۸۳ و مقررات بازار سرمایه برای انتشار در سال ۱۳۸۴ تصویب شده‌اند و از سوی دیگر، این مقررات در مجموع بیشتر از ۱۰ مورد نیستند. بررسی این جریان نشان می‌دهد که با وجود آنکه بخش عمده تأمین مالی در ایران بر اساس بازار پول بوده است، اما اکثر بانک‌ها و تمام مقررات حاکم بر افشا ریسک بانک‌ها طی سالیان اخیر تصویب شده و با توجه به سنتی بودن ساختار سازمان حسابرسی و حسابداری در بانک‌ها، بر اساس نظر حسابرسان شرکت کننده در مصاحبه، این مقررات هنوز جایگاه و اهمیت خود را برای حسابداران و حسابرسان ایجاد نکرده‌اند. علاوه بر آن، ساختار بانک‌ها عموماً سنتی است و مدیران با رویکردهای سنتی اقدام به مدیریت بانک می‌نمایند؛ البته در این میان بانک‌های تازه تأسیسی نیز هستند که با رویکردهای نوین و منطبق با مقررات بین‌المللی اقدام به اندازه‌گیری، نظارت و افشا اطلاعات ریسک خود حتی در وب‌سایت بانک می‌نمایند و مقوله ریسک برای آن‌ها جدی است، اما تعداد این بانک‌ها در شبکه بانکی کشور اندک است. همچنین، مدیران بانکی از طرف بانک مرکزی انتخاب می‌شوند که این مسئله شایه حاکمیت دولتی و ساختار دولتی حاکم بر بانک را نیز ایجاد نموده و با توجه به آنکه بخشی از اعتبارات بانک‌ها تکلیفی دولت است و به تبع ریسک اعتباری بانک از این محل افزایش می‌یابد، این مسئله تشدید می‌شود و همین موضوع مانع جدی برای افشا و گزارش ریسک در بانک با مجوز نهاد ناظر است. از سوی دیگر، علاوه بر دولتی بودن و حاکمیت و حمایت دولت از بانک‌ها در ایران، فقدان رقابت و بسته بودن جریان اطلاعات در کنار ضعف‌های قانونی و مقرراتی حاکم بر شبکه بانکی نیز بر عدم افشا و گزارش ریسک در بانک‌های ایران اثرگذار است. مجموع

این عوامل موجب افزایش محافظه‌کاری در محیط کسب و کار می‌شود که محافظه‌کاری مانع از افشا و گزارش ریسک در بانک‌ها شده است. از دیگر دلایل زمینه‌ای که مانع از افشا است، مصلحت سنجی در مقابل با فساد و فقدان تمايل جمعی برای افشا ریسک است. مصلحت سنجی به سنجش شرایط اقتصادی و حرکت عاقلانه مبنی بر اینکه افشا احتمال ایجاد بی‌ثباتی و تشدید شرایط را ایجاد می‌کند، اشاره دارد. به عبارتی خبرگان بانکی و حسابرسان بانکی بر این باور هستند که گاهی افشا‌ی عمومی ریسک بانک‌ها به دلیل آنکه شرایط حال حاضر اقتصاد را تشدید می‌کند، ضرورت ندارد و از سوی دیگر، خبرگان بازار سرمایه با این بحث مخالف بودند و بر این باور بودند که افشا هر زمان که شرایط را بهتر ترسیم نماید و منجر به آن شود که سهامداران و ذی‌نفعان تصمیمات مبتنی بر ریسک و بازده دقیق‌تر و درست‌تری را بگیرند، ضرورت دارد. از سوی دیگر، برخی از خبرگان بازار سرمایه و بانکی بر این باور بودند که در حال حاضر به دلیل عدم آگاهی ذی‌نفعان از یک سو و عدم تمايل مدیران بانک‌ها به عنوان عرضه‌کننده اطلاعات، تمايل جمعی برای افشا و گزارش ریسک وجود ندارد. ذی‌نفعان به دلیل آگاهی کم نسبت به وجود چنین گزارش‌هایی و یا ناتوانی در درک و تفسیر اطلاعات، متقاضی نبوده و مدیران به دلیل آنکه به‌طور شفاف و روشن باید وضعیت و عملکرد مالی خود در حوزه ریسک را در مقام ارزیابی و نظارت رقبا، سهامداران، اعتباردهندگان و دولت‌ها قرار دهنند، تمايلی برای این اقدام ندارند.

شرایط علی: شرایط علی مقوله یا شرایطی هستند که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار داده و به وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر می‌انجامند. فرهنگ سازمانی، دانش ناکافی و فقدان آموزش‌های لازم، فقدان زیرساخت‌های مناسب و لازم برای داده‌ها، عدم استقلال کمیته‌های بانک و اشریخش نبودن تصمیمات کمیته‌ها، فقدان استراتژی و اهداف کسب و کار، عدم تخصیص منابع کافی برای افشا‌ی ریسک، ضعف در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی و وجود سهامداران نهادی، فقدان چارچوب منسجم برای افشا، فقدان نظام رتبه‌بندی مبتنی بر ریسک و هزینه‌های افشا شامل هزینه‌های رقابت، هزینه تهیه اطلاعات و هزینه‌های مدیریتی از شرایط علی چالش افشا‌ی ریسک هستند. بر اساس نظر خبرگان نظام بانکی ایران، فرهنگ سازمانی شفاف و روشنی برای شناسایی،

اندازه‌گیری و افشاری ریسک در بانک‌ها وجود ندارد. فرهنگ سازمانی بانک اشاره به درک مفهوم واژه ریسک و نحوه اندازه‌گیری و گزارشگری آن منطبق با استانداردهای روز بین‌المللی، دارد که برای این منظور لازم است علاوه بر کارمندان، در سطوح مدیریتی نیز آموزش‌های کافی صورت گیرد. این ضعف علاوه بر آنکه ناشی از دانش ناکافی مدیران در پیاده‌سازی چنین فرهنگ و تصویب دستورالعمل‌های لازم است، ناشی از دانش ناکافی و عدم تبحر و تخصص نیروی کار در بانک نیز است. علاوه بر آن بانک‌ها با فقدان استراتژی و اهداف کسب‌وکار مواجه هستند. بخشی از ریسک به میزان دستیابی به اهداف و استراتژی‌ها اشاره دارد و ریسک از این مفهوم فاصله بین نتایج با آنچه انتظار وقوع آن وجود داشته است، است که در نبود اهداف کسب‌وکار و استراتژی‌های سازمانی، ریسک قابلیت شناسایی و تعریف را ندارد. از سوی دیگر، مبتنی بر مصاحبه انجام شده با خبرگان بانکی، فقدان پیاده‌سازی درست حاکمیت شرکتی در بانک‌ها وجود دارد و به تبع، در نبود حاکمیت شرکتی قوی در بانک، استقلال کمیته‌های حسابرسی و ریسک نیز مورد تردید است که مجموع این عوامل به عنوان مانع جدی افشاری ریسک در بانک تبدیل شده‌اند. البته در این میان وجود سهامداران نهادی و گاه‌آمیختگی این‌ها در کمیته‌های تخصصی بانک‌ها موجب شده است که مسئله شناسایی، اندازه‌گیری و افشاری ریسک، به دلیل تضاد منافعی که ایجاد می‌کند در کمیته تخصصی ریسک بانک نادیده گرفته شود. از دیگر دلایل علی برای عدم افشاری ریسک در بانک‌ها می‌توان به فقدان نظام انگیزشی برای افشاری ریسک و نداشتن چارچوب مطلوب افشا اشاره نمود. بانک‌ها بابت افشا دقیق، درست و آگاهی‌دهنده ریسک تشویق نمی‌شوند. به عبارتی، نظام انگیزشی برای افشاری ریسک در بانک‌ها وجود ندارد و مدیران برای فرار از هزینه‌های افشا تمايلی برای افشا ندارند. از سوی دیگر، فقدان چارچوب مطلوب برای افشا و گزارش ریسک در بانک‌ها نیز خود مزیت بر علت است. همچنین، در بانک‌های ایران زیرساخت‌های لازم برای جمع‌آوری داده‌های ریسک (شناسایی و اندازه‌گیری) وجود ندارد. این مسئله به ضعف‌های زیرساختی در فناوری اطلاعات نیز مرتبط است و از سوی دیگر، معمولاً منابع کافی در بانک برای افشاری ریسک که شامل شناسایی، اندازه‌گیری و گزارش آن توسط نیروهای

خبره و متبحر است، تخصیص داده نمی‌شود. با نبود منابع کافی معمولاً زیرساخت‌های لازم توسعه داده نمی‌شود و فرآیند شناسایی و اندازه‌گیری به همان شیوه‌های سنتی و قدیمی باقی می‌ماند. در این میان سهامداران نهادی نیز از دیگر دلایل و چالش‌های افشاگری ریسک است. با توجه به آنکه سهامداران نهادی دارای یک نماینده در هیئت مدیره هستند و از وضعیت و عملکرد بانک مبنی بر گزارش‌های داخلی مطلع هستند، معمولاً تمايل چندانی برای افشاگری ریسک ندارند. در بانک‌های ایران نظام رتبه‌بندی مبنی بر ریسک به گونه‌ای که بانک‌ها از وضعیت بانک‌های رقیب مطلع باشند وجود ندارد. این فقدان به دلیل ضعف‌های موجود در بدنۀ بانک مثل فقدان فرهنگ سازمانی ریسک و دانش ناکافی مدیران و کارمندان از مسئله ریسک است و بخشی از آن به دلیل شرایط بستر مثل محافظه‌کاری و فقدان توسعه بازارهای مالی است. این مسئله موجب شده است که بانک‌ها انگیزه‌ای برای افشاگری ریسک نداشته باشند، زیرا در نبود نظام رتبه‌بندی مبنی بر ریسک و رقابت بین بانک‌ها برای کسب جایگاه مطلوب در این نظام، افشا برای آن‌ها منافعی همچون بهبود وضعیت رتبه اعتباری و کسب و کار بانک را فراهم نمی‌کند و علاوه بر آن افشا برای آن‌ها هزینه به همراه خواهد داشت. علاوه بر آن هزینه‌های افشا نیز خود مانع جدی برای افشاگری ریسک هستند. هزینه‌های افشا شامل افزایش هزینه رقابت، هزینه تهیه اطلاعات دقیق و قابل اتکا و هزینه‌های مدیریتی همچون افزایش ریسک شهرت مدیران است که مانع از افشاگری ریسک می‌باشند.

شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر شرایط ساختاری هستند که به پذیده تعلق داشته و بر کنش و واکنش آن اثر می‌گذارد، به گونه‌ای که کنش و واکنش را سهولت بخشیده یا محدود می‌نماید. در این مدل عواملی همچون تضاد منافع و عدم استقلال مدیران، دانش ناکافی و عدم استقلال نهادهای نظارتی و محروم‌نگی اطلاعات از مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر مؤثر در مدل بوده است. تنظیم کنندگان استانداردها و مقررات باید دانش کافی از تنظیم مقررات و استانداردها متناسب با فضای کسب و کار ایران را داشته باشند و مقررات در عین هم راستای با مقررات بین‌المللی باید شرایط اقتصادی و شرایط بانکی ایران از جمله الزام رعایت شرعیت را لحاظ نموده و تنظیم شوند. همچنین، با توجه به تسهیلات تکلیفی بانک‌ها و افزایش ریسک و انتخاب مدیر عامل بانک‌ها

توسط بانک مرکزی افشاری ریسک در صورتی که گزارش شرایط بد اقتصادی باشد، یا بی ثباتی را ترویج دهد و یا موجب شوک در محیط کسب و کار شود، انجام نمی‌شود و نهاد ناظر از این مسئله حمایت می‌کند. از سوی دیگر، نهادهای ناظر مقررات تنبیه‌یا مقرراتی که ضمانت اجرای مقررات افشاری ریسک باشد را ارائه ننموده‌اند. به عبارتی، در ایران نه تنها مجازات تنبیه‌یا بابت عدم افشا نداریم، بلکه گاهی اثرات نامطلوب افشا متوجه بانکی است که اقدام به افشاری اطلاعات خود کرده است. از دیگر چالش‌های افشاری ریسک مسئله محروم‌گی اطلاعات است. اطلاعات در شبکه بانکی معمولاً محمانه تلقی شده و تا جای ممکن از انتشار آن در فضای عمومی جامعه ممانعت می‌شود که این مسئله به چالش جدی برای افشاری ریسک تبدیل شده است. همچنین، حسابرسان نگاه سنتی به مقوله ارزیابی و تحلیل ریسک بانکی داشته و درمجموع، عدم تمايل حسابرسان، ناکافی بودن مقررات نهاد ناظر برای افشاری ریسک در بانک و عدم تمايل کارفرما (مدیرعامل بانک) برای افشاری ریسک، موضع جدی برای افشا هستند. از دیگر شرایط مداخله گر مؤثر بر فقدان افشاری مطلوب ریسک، تحریم‌های بانکی طی سال‌های اخیر بوده است. این تحریم‌ها شکاف جدی بین نحوه عمل بانک‌های ایران با مقررات و استانداردهای بین‌المللی ایجاد نموده است. با توجه به تحریم‌های بانکی ایران و جدایی بانک‌های ایران از آنچه در سطح بین‌المللی در حال وقوع بود، نه تنها مسئله ریسک، بلکه در سایر مسائل بانکی نیز شکاف عمیقی بین نحوه عمل بانک‌های ایران با مقررات بین‌المللی ایجاد شد. علاوه بر آن تا قبل از تحریم‌ها، شرایط اقتصادی ایران با تورم بالا و افزایش نقدینگی در هرسال، مسئله ریسک و زیان‌های بانک بابت افزایش ریسک را پوشش می‌داد و تمايلی برای افشاری ریسک همراه با اثرات نامطلوبی که احتمالاً بر جامعه و فضای کسب و کار می‌گذشت، نبود.

راهبردها: راهبردها مبنی بر کنش و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده اصلی هستند. راهبردها هدف داشته و با دلیل مشخصی صورت می‌گیرند. در این بررسی و مبتنی بر نتایج مصاحبه راهبردها اعمال نظرسنجی قبل از تصویب بخشنامه، پیاده‌سازی زیرساخت‌های مناسب

مقرراتی و برقراری تناسب بین مقررات داخلی با بین‌المللی و تقویت نظارت از سوی مقام ناظر و توسعه مقررات بانکداری اسلامی است.

افشا به زیرساخت‌های مقرراتی نیاز دارد و نهاد ناظر همچون بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی باید در یک تعامل مشترک با یکدیگر، مقررات متناسب با فضای کسب و کار ایران و هم راستا با مقررات بین‌المللی را برای افشا و گزارش ریسک تدوین نمایند، اما قبل از تصویب و بخشنامه نمودن این مقررات ضرورت دارد نظرسنجی‌های قبلی از خبرگان و ذی‌نفعان گرفته شود. از سوی دیگر، این نهادها باید نظارت جامع و دقیقی بر افشا داشته باشند و افشا ریسک را با جدیت دنبال نمایند. در این ارتباط باید هر نهاد به‌طور مستقل به امر نظارت پردازد و الزامات افشا ریسک را از بانک‌ها بخواهد. همچنین، در راستای ایجاد تقاضا باید فرهنگ‌سازی و آموزش‌های کافی ارائه شود. آموزش‌ها با محوریت ذی‌نفعان و استفاده کنندگان از اطلاعات بخصوص سهامداران، با محوریت کارمندان و مدیران بانک مبنی بر ضرورت‌های افشا ریسک و شیوه و روش شناسایی و اندازه‌گیری ریسک، با محوریت مقام ناظر به‌منظور ایجاد شناخت از اهمیت افشا ریسک و البته آموزش حسابرسان مبنی بر اینکه افشا ریسک یکی از اشاییات حائز اهمیت برای بانک‌ها است و حسابرس باید نسبت به شیوه شناسایی، اندازه‌گیری و گزارشگری ریسک در بانک حساس باشد. این آموزش‌ها علاوه بر تحریک تقاضا برای افشا، طرف عرضه را نیز ملزم به افشا و گزارشگری می‌نماید. از سوی دیگر، برقراری ساختار مطلوب حاکمیت شرکتی، ایجاد کمیته‌های حسابرسی و ریسک که با وظایف خود آشنا هستند و در راستای اهداف و استراتژی‌های سازمان به فعالیت می‌پردازند، نیز از راهبرهای برونو رفت از عدم افشا ریسک خواهد بود. برقراری حاکمیت شرکتی مطلوب نه تنها شناسایی و اندازه‌گیری دقیق ریسک را تحقق می‌بخشد، بلکه از بعد شفافیت و گزارش آن به ذی‌نفعان نیز مؤثر و کارآمد است. همچنین ضرورت دارد مدیریت بانک، هیئت مدیره و سهامداران نهادی با اهمیت افشا ریسک و اثر آن بر بانک آشنا بوده و زیرساخت‌های لازم برای شناسایی، اندازه‌گیری و افشا ریسک را فراهم نمایند. علاوه بر آن ضرورت دارد مدیران کارآمد شبکه بانکی شناسایی و مدیران مبتنی بر

کارایی و اثربخش بودن تصمیماتشان در سطوح مدیریتی بانک ارتقا یافته و عملکرد آن‌ها از بعد ریسک و میزان دستیابی به اهداف و استراتژی‌ها ارزیابی شود. مسلماً مدیران کارآمد و مطلع از آخرین تغییرات بانکی و مسلط به مباحث بانکی، نسبت به ریسک و شناسایی و افشاری آن حساسیت بیشتری دارند. همچنین مبتنی بر مصاحبه‌های انجام شده توسعه مقررات بانکداری اسلامی در ایران و پیاده‌سازی محتوای آن در عمل می‌تواند در این حوزه راه‌گشا باشد، خصوصاً آنکه مقررات و استانداردهای اسلامی نیز بر مسئله شناسایی، اندازه‌گیری و افشاری ریسک، توجه و تأکید داشته‌اند (استاندارد شماره ۴ هیئت خدمات مالی اسلامی). از سوی دیگر با وقوع تحريم‌ها و عدم دسترسی بانک‌ها به منابع بین‌المللی و فقدان امکان انتقال پول و کنترل حجم نقدینگی و کاهش تورم و به تبع انجام سرمایه بانک‌ها در دارایی‌های فیزیکی، مسئله ریسک برای مدیران بانک‌ها به مسئله حائز اهمیتی طی دو الی سه سال اخیر تبدیل شده و این تغییر در نحوه نگرش مدیران به ریسک می‌تواند مقدمه‌ای برای انجام تغییر و اصلاح قوانین و مقررات و کاهش شکاف بین مقررات داخلی و بین‌المللی گردد و از سوی دیگر انگیزه‌های توجه به ریسک و افشا آن را در مدیران افزایش دهد.

پیامدها: پیامدها نتایجی که در اثر راهبردها پدیدار می‌شود را پیامد می‌گویند. پیامدها نتیجه کنش و واکنش هستند. در این مدل تصویب مقررات و بخشنامه‌ها منطبق با نیازهای واقعی، تطبیق مقررات با پوشش الزامات مقرراتی نهادهای ناظر، سهولت و تسريع گزارشگری داخلی و خارجی، کاهش اثرات نامطلوب اجتماعی، تنظیم مقررات تشویقی برای افشاری ریسک، کاهش شوک افشاری ریسک در اقتصاد، انطباق بانکداری با شریعت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و برقراری تعاملات بین‌المللی، تربیت نیروهای متخصص و کارآمد و ایجاد محرك‌های لازم برای تقاضا و تفسیر درست اطلاعات و کاهش ریسک شهرت و سایر هزینه‌های افشاری ریسک، از جمله پیامدهای افشاری ریسک است. با بررسی و چاره‌جویی برای فقدان افشاری ریسک در بانک‌ها بخشی از چالش‌ها ضعف‌های مقرراتی و نظارتی بود که برای رفع آن ضرورت دارد نگاه ویژه‌ای به مسئله مقررات شود و نظارت کافی بر نحوه عمل بانک بخصوص در بحث شناسایی،

اندازه‌گیری و افشاری ریسک صورت گیرد. علاوه بر آن توسعه افشاری ریسک مبتنی بر مقررات داخلی و منطبق با مقررات بین‌المللی بخشی از چالش‌های گزارشگری بین‌المللی و جذب سرمایه را پوشش می‌دهد و با توجه به آنکه بانکداری در ایران بانکداری مبتنی بر اصول شریعت و اسلامی است، می‌توان در جه انتباط افشاری ریسک با مقررات اسلامی را نیز تبیین نمود. علاوه بر آن افشا به طور مرتب و با ثبات می‌تواند از ایجاد شوک ناگهانی در اقتصاد ممانعت نماید و بانک‌های بی‌ثبات و پر ریسک قبل از رخداد بحران شناسایی شود. همچنین گزارش افشاری ریسک را تفسیر و در تصمیمات برای افشاری ریسک را تحریک نماید و ذی‌نفعان گزارش ریسک بانک‌ها نحوه عمل مدیران بانک را سرمایه‌گذاری خود دخیل نمایند. همچنین گزارش ریسک بانک‌ها نحوه عمل مدیران بانک را نشان می‌دهد که این مسئله امکان سنجش مدیران، پاسخگویی و کاهش ریسک شهرت آن‌ها را به همراه دارد و برآمد آن تبیین مدیران کارآمد و متخصص است. در صورتی که مدیران کارآمد و متخصص در بانک شناسایی شود، این مدیران توانایی ایجاد و تربیت نیروهای آموزش‌دیده و متخصص و تربیت مدیران کارآمد در بدنه بانک را خواهند داشت و مجموع این عوامل موجب ایجاد فرهنگ سازمانی ریسک در بانک می‌شود. به گونه‌ای که هم طرف عرضه و هم طرف تقاضای اطلاعات، برای افشاری ریسک تمایل داشته و افشاری ریسک با نظارت و کنترل نهادهای نظارتی و مبتنی بر مقررات کافی و کارآمد، درنهایت منجر به ایجاد فضای رقابتی، توسعه بازار پولی و کاهش شکاف بین نحوه عمل بانک‌ها با مقرر و الزامات نظارتی بین‌المللی خواهد شد. علاوه بر آن افشاری ریسک به موقع و قابل اتکا امکان بروز بحران‌های مالی ناگهانی در اقتصاد را کاهش می‌دهد و بابت هر اتفاق و رویداد بی‌ثبات کننده در شبکه بانکی نظارت و کنترل مؤثر صورت خواهد گرفت. مجموعه این عوامل بر کارآمدی شبکه بانکی کشور و رونق و رشد اقتصادی و ایجاد فضای اعتماد به بانک‌ها در کشور مؤثر خواهد بود.

درنهایت با استفاده از کد گذاری انتخابی یا گرینشی، مدل جامع موانع افشاری ریسک با تأکید بر نتایج به دست آمده از مصاحبه سه گروه از خبرگان شامل خبرگان بازار سرمایه، خبرگان بانکی و بانک مرکزی و خبرگان حسابرسی بانک در نمودار ۵ ارائه شده است. بر این اساس، خبرگان

بازار سرمایه موانع و دلایل عدم توفیق در افشا ریسک را از منظر نهاد ناظر بازار، سهامداران و ذی نفعان مورد بحث قرار دادند. خبرگان بانکی و بانک مرکزی نیز افشا ریسک و موانع آن را از منظر نهاد ناظر بر بانک‌ها و بانک‌ها به عنوان عرضه‌کننده اطلاعات بحث نمودند و حسابرسان بانکی به عنوان افراد مستقل که بر مطلوبیت ارائه صورت‌های مالی بانک‌ها اظهارنظر می‌کنند، فقدان افشا ریسک در بانک را از بعد انتباق و قوانین و مقررات حاکم و چرایی عدم افشا مورد طرح و بحث قرار دادند.



نمودار ۵: الگوی مفهومی موانع افشا ریسک در ایران

۶. نحوه ارزیابی و اعتباربخشی

در این پژوهش برای سنجش اعتبار، پس از استخراج مدل نهایی موانع افشاگری ریسک در بانک‌ها، مجدد مدل با برخی از خبرگان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. گروه خبرگان شامل افرادی بودند که در مرحله جمع‌آوری داده با آن‌ها مصاحبه عمیق شده بود و افرادی که با آن‌ها مصاحبه نجات نشده بود. علاوه بر آن، مدل نهایی با یافته‌های پژوهشی به دست آمده از بررسی پیشینه پژوهش نیز مقایسه و بررسی شد. مدل پژوهش علاوه بر پوشش تمام عوامل شناسایی شده به عنوان چالش افشاگری ریسک که از بررسی ادبیات تجربی استخراج شده بود، موارد دیگری را نیز شناسایی نموده بود و نتایج پژوهش منجر به ارائه مدل کامل‌تری از موانع افشاگری ریسک در بازار مالی ایران بود.

۷. نتیجه‌گیری

در نظام بانکی ایران، با وجود قوانین و مقررات برای افشاگری ریسک و افشاگری اجباری ریسک برای شبکه بانکی، هیچ گاه شاهد گزارش منسجم و جامعی از افشاگری ریسک بانک‌ها در بازار مالی ایران نبوده‌ایم؛ بنابراین این سؤال مطرح است که چه عواملی مانع از افشاگری ریسک در بانک‌های ایرانی می‌شود؟ نتایج این پژوهش نشان داد عوامل جدی که مانع از افشاگری در قالب چهار چالش شامل چالش‌های محیطی، چالش‌های نهاد ناظر، چالش‌های کلان و چالش‌های صنعت بانکی قابل طبقه‌بندی هستند.

چالش‌های محیطی به ضعف‌های موجود در محیط کسب و کار بانک‌ها مثل فقدان رقابت در بازار، محافظه کاری و بسته بودن جریان گردش اطلاعات اشاره دارد.

چالش‌های نهاد ناظر از دو منظر چالش‌های مقررات گذاری و چالش‌های نظارت و کنترل قابل طرح است. چالش‌های مقررات گذاری به ضعف‌های قانونی و نوپا بودن مقررات اشاره دارد و ضعف‌های نظارت و کنترل ضعف‌های نظارتی و عدم تسلط نهادهای ناظر با مقوله ریسک و نحوه شناسایی، اندازه‌گیری و افشا آن را مورد توجه قرار داده است.

چالش‌های کلان به چالش‌هایی اشاره دارد که در سطح اقتصاد و دولت بر فقدان افشاری ریسک بانک‌ها اثرگذار است. این چالش‌ها عموماً حول محور سنتی بودن بانکداری و نظام حسابداری و حسابرسی بانکی و عدم استقلال بانک‌ها از بانک مرکزی و دولت قرار دارد. به عبارتی انتخاب مدیران بانک‌ها از طرف بانک مرکزی و وابستگی بانک‌ها به بانک مرکزی و مشوق‌ها و حمایت‌های دولت و بانک مرکزی از بانک‌های ایران، به گونه‌ای که پدیده ورشکستگی و افزایش ریسک برای بانک‌ها به واسطه این حمایت‌ها منتظر است، موجب شده است مسئله ریسک و اهمیت افشا و گزارش آن و تأثیر آن در تصمیمات ذی‌فعان بانک معمولاً نادیده گرفته شود و حتی دولت به واسطه همین حمایت گاهآ تسهیلات تکلیفی را بر دوش بانک‌ها قرار می‌دهد که نتیجه آن افزایش ریسک بانک است، اما با حمایت و پشتیبانی از عملیات بانک و انتخاب مدیران وابسته به خود بر صدر ریاست بانک، به بانک‌ها مجوز عدم افشا و شفافیت را می‌دهند تا با پنهان نمودن شرایط نامطلوب، علاوه بر حمایت از بانک، به اقتصاد کشور بحران و شوک وارد نشود و بانک با اثرات نامطلوب اجتماعی ناشی از افشا عملکرد خود مواجه نشود.

چالش‌های صنعت بانکی شامل چالش‌های کلان در سطح شبکه بانکی و چالش‌های خرد در سطح یک بانک است. چالش‌های کلان شامل نوپا بودن صنعت بانکی، هزینه‌های افشا برای همه بانک‌ها افزایش ریسک شهرت و فقدان پاسخگویی مدیران بانک‌ها و عدم تطبیق فعالیت بانک‌ها با اهداف واسطه‌گری است و چالش‌های خرد شامل شرایط محیطی بانک مثل فرهنگ سازمانی، عدم استقلال کمیته‌ها، فقدان استراتژی و اهداف کسب‌وکار و انتخاب مدیران ناکارآمد است. علاوه بر آن فقدان زیرساخت‌های لازم برای جمع‌آوری و تفسیر داده‌های ریسک بانک و فقدان آموزش و تخصص کافی در سطوح مدیریتی و کارشناسان در بانک از چالش‌های مطرح است. همچنین در این مدل شرایط زمینه و محیط کسب‌وکار بانکی در ایران، شرایط علی و شرایط مداخله‌گر که چالش افشاری ریسک در بانک‌های ایران هستند، شناسایی و راهبردهای برونو رفت از وضع موجود و پیامدهای مؤثر افشاری ریسک نیز تحلیل و بررسی شد.

درمجموع در تحلیل و تفسیر یافته‌های این پژوهش و در کچرا برای وجود موائع جدی در افشاگری ریسک در بانک‌ها، باید پذیرفت که صنعت بانکی ایران، قدمت زیادی ندارد و بسیاری از مقررات و استانداردهای تدوین شده با هدف نظارت و کنترل مؤثر بر آن، جدید می‌باشند. در حال حاضر و با توجه به شرایط تحريمی که بر این صنعت سایه انداخته و موجب ایجاد شکاف بین صنعت بانکی با بخش بین‌المللی شده است، نهاد ناظر با همراهی شبکه بانکی در تلاش در تطابق با مقررات بین‌المللی و شریعت اسلامی، مسیر طولانی را در پیش دارد. قطعاً، افشاگری ریسک برای شبکه بانکی بسیار حائز اهمیت است و یکی از ضرورت‌های جدایی‌ناپذیر از شفافیت در صنعت بانکی است که نیازمند همکاری و نظارت مداوم نهادهای نظارتی همچون بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان حسابرسی است. علاوه بر آن، لازم است که دانش در این حوزه انباشت گردد و برای منظور ضروری است که نیروهای متخصص و خبره در ارتباط با شناسایی، اندازه‌گیری و افشاگری ریسک در شبکه بانکی ایران به بازار عرضه شوند و فعالیت‌ها و اقدامات آن‌ها از سوی مدیران ارشد، سهامداران، حسابرسان، مقررات‌گذاران و جامعه جدی گرفته شود و در تصمیمات اقتصادی وارد شود. علاوه بر آن، از اعمال محافظه‌کاری و محروم‌نمایی تلقی نمودن اطلاعات ریسک خودداری و انتشار آن‌ها و استفاده از این نوع اطلاعات در تصمیمات اقتصادی ترویج گردد. درنهایت، پیشنهاد می‌شود تا قوانین و مقررات در انطباق با شرایط بین‌المللی مورد بازبینی و بازنگری قرار گیرد و در این فرآیند نظر خبرگان تمامی گروههای ذی‌نفع پرسیده و تا جای ممکن اعمال گردد. همچنین، باید تحت آموزش‌های اختصاصی شناسایی، اندازه‌گیری و افشاگری ریسک به یک ضرورت مهم در تصمیم‌گیری برای استفاده‌کننده اطلاعات و یک اقدام مهم برای تهیه‌کننده اطلاعات بدل شود.

منابع

- خوش خلق، ایرج، طالب نیا، قادرت الله (۱۴۰۰). تبیین اثر مفاهیم گزارشگری مالی بر سطح افشاری ریسک در گزارشگری مالی سالانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادران. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۱۰(۳۸)، ۴۵۵-۴۷۳.
- رحمانی، علی، سلیمانی، غلامرضا، طاهری، ماندانا (۱۴۰۰). بررسی پیامدهای مالی افشاری ریسک در بازار سرمایه ایران: مطالعه موردی بانک‌های عضو بورس اوراق بهادران تهران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۸(۷۰)، ۷۰-۷۷.
- طاهری ماندانا، رحمانی علی، سلیمانی امیری غلامرضا. مقررات و استانداردهای داخلی و بین‌المللی افشاری ریسک در بانک‌ها. *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*. ۷؛ ۱۳۹۸: ۱۴۵-۱۷۷.
- طاهری، ماندانا، رحمانی، علی، سلیمانی، غلامرضا (۱۳۹۸). ارتباط ارزشی افشاری و گزارشگری ریسک در بانک‌های عضو بورس اوراق بهادران تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱(۱)، ۱-۲۲.
- نمازی، محمد، ابراهیمی میمند، مهدی (۱۴۰۰). افشا و گزارشگری ریسک شرکت‌ها: ارائه چارچوب جامع. *مجله دانش حسابداری*، ۱۲(۲)، ۱-۲۷.
- نمازی، محمد، ابراهیمی میمند، مهدی (۱۳۹۵). بررسی چگونگی افشاری ریسک در گزارش سالانه شرکت‌ها و عوامل مؤثر بر آن. *دانش حسابداری مالی*، ۳(۲)، ۱-۳۰.
- Bao, D., Kim, Y., Mian, G. M., & Su, L. (2019). Do managers disclose or withhold bad news? Evidence from short interest. *The Accounting Review*, 94(3), 1-26.
- Cadiou C., Mars, M., (2012), Basel II Pillar 3: Challenges for banks. *The Journal of Global Perspectives on Challenges and Opportunities*, 30-35.
- Camilleri, M. A. (2018). Theoretical insights on integrated reporting: The inclusion of non-financial capitals in corporate disclosures. *Corporate Communications: An International Journal*.
- Clinch, G., & Verrecchia, R. E. (2015). Voluntary disclosure and the cost of capital. *Australian Journal of Management*, 40(2), 201-223.
- Corbin, Juliet, Strauss, Anselm. (2008). *Basics of Qualitative research, techniques and procedures for developing Grounded Theory*. 3th edition.
- Creswell, J. W. (2005). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (2nd ed). Upper Saddle River, N. J.: Pearson Merrill Prentice Hall.

- Davies, J., Moxey, P., & Welch, I. (2010). *Risk and reward: tempering the pursuit of profit*. ACCA, London.
- Dumay, J., La Torre, M., & Farneti, F. (2019). Developing trust through stewardship: Implications for intellectual capital, integrated reporting, and the EU Directive 2014/95/EU. *Journal of Intellectual Capital*.
- European Commission. (2019). *The European Green Deal*.
- Garrow, N., Somerset, N., Awolowo, I., & Clark, M. (2019). Trust: The critical factor in theory and practice, from banks to cakes.
- Hofinger, J. (2021). *Regulatory risk disclosure in the banking industry: A scoring model approach* (Doctoral dissertation, Sheffield Hallam University).
- Jackson, G., Bartosch, J., Avetisyan, E., Kinderman, D., & Knudsen, J. S. (2020). Mandatory non-financial disclosure and its influence on CSR: An international comparison. *Journal of Business Ethics*, 162(2), 323-342.
- Jia, J., Munro, L., & Buckley, S. (2016). A finer-grained approach to assessing the “quality” (“quantity” and “richness”) of risk management disclosures. *Managerial Auditing Journal*.
- khoshkholg, I., Talebnia, G. (2021). Explaining the effect of financial reporting concepts on the level of risk disclosure in annual financial reporting in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Investment Knowledge*, 10(38), 455-473. [In Persian]
- Leopizzi, R., Iazzi, A., Venturelli, A., & Principale, S. (2020). Nonfinancial risk disclosure: The “state of the art” of Italian companies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 27(1), 358-368.
- Linsley, P. M., Shrvies, P. J., & Crumpton, M. (2006). Risk disclosure: An exploratory study of UK and Canadian banks. *Journal of Banking Regulation*, 7(3), 268-282.
- Marshall, A., & Weetman, P. (2007). Modelling transparency in disclosure: the case of foreign exchange risk management. *Journal of Business Finance & Accounting*, 34(5-6), 705-739.
- Mazzotta, R., Bronzetti, G., & Veltri, S. (2020). Are mandatory non-financial disclosures credible? Evidence from Italian listed companies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 27(4), 1900-1913.
- Namazi, M., Ebrahimi Maimand, M. (2016). Studying the Disclosure of Risk and Influential Factors on This Disclosure. *Financial Accounting Knowledge*, 3(2), 1-29. [In Persian]
- namazi, M., Ebrahimi Maimand, M. (2021). Firms' Risk Disclosure and Reporting: A Comprehensive Framework. *Journal of Knowledge Accounting*, 12(2), 1-27. [In Persian]
- Rahmani, A., Solimani, G., Taheri, M. (2021). The Financial Consequences of Risk Disclosure in the Iranian Capital Market: A Case Study of Banks Listed in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 18(70) .[In Persian]

- Schoenfeld, J. (2017). The effect of voluntary disclosure on stock liquidity: New evidence from index funds. *Journal of Accounting and Economics*, 63(1), 51-74.
- scott, M., (2010), *Putting people, planet and profit into the annual report*. Financial Times, FTfm supplement, 29 November 2010.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1990), *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, London: Sage.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1998) *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks: Sage Publications.
- Taheri M, rahmani A, soleimani G. domestic and international regulations and standards for risk disclosure in banks. *quarterly journal of fiscal and Economic Policies*. 2020; 7 (28):145-177. [In Persian]
- taheri, M., rahmani, A., soleimani, G. (2019). Value relevance of risk disclosure in Iranian listed banks. *Journal of Financial Accounting Research*, 11(1), 1-22. [In Persian]
- Veltri, S., De Luca, F., & Phan, H. T. P. (2020). Do investors value companies' mandatory nonfinancial risk disclosure? An empirical analysis of the Italian context after the EU Directive. *Business Strategy and the Environment*, 29(6), 2226-2237.
- Verrecchia, R. E. (2001). Essays on disclosure. *Journal of accounting and economics*, 32(1-3), 97-180.

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی